

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق پردیس فارابی

عنوان

**امکان یا امتناع حق نافرمانی مدنی در حقوق اساسی
جمهوری اسلامی ایران**

نگارش
میثا اکبری

استاد راهنما
دکتر محمدجواد ارسطا

استاد مشاور
دکتر حسین رحمت الهی

رساله برای دریافت درجه دکتری (PhD) در رشته حقوق عمومی
تابستان ۱۳۹۷



پردیس فارابی دانشگاه تهران

شماره:
تاریخ:
پست:

بنام خدا
صورتجلسه دفاعیه رساله دوره دکتری
دانشکده حقوق پردیس فارابی

با عنایت به آئین‌نامه آموزشی دوره دکتری و مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۷ شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه، جلسه دفاعیه رساله دکتری خانم مینا اکبری دانشجوی دوره دکتری در رشته حقوق عمومی به شماره دانشجویی ۲۲۰۲۹۱۵۴۷ در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۰ در محل پردیس فارابی با عنوان: «امکان یا امتناع حق نافرمانی مدنی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» با حضور هیأت داوران تشکیل شد و بر اساس کیفیت رساله، ارائه دفاعیه و نحوه پاسخ به سوالات، رأی نهایی به شرح ذیل اعلام گردید:

| | | |
|---------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> رساله مورد قبول نمی‌باشد | <input type="checkbox"/> رساله با اصلاحات مورد قبول می‌باشد | <input checked="" type="checkbox"/> رساله مورد قبول می‌باشد |
| نمره رساله | ۱۹ | ۱۸ |
| تعداد واحد رساله | | |
| درجه رساله | عالی | |

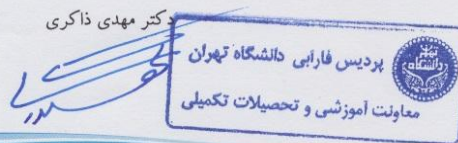
| ردیف | مشخصات هیات داوران | نام و نام خانوادگی | مرتبه دانشگاهی | دانشگاه یا موسسه | امضاء |
|------|--------------------------------------|-------------------------|----------------|--------------------------------|-------|
| ۱ | استاد راهنما: | دکتر محمد جواد ارسطا | دانشیار | پردیس فارابی | |
| ۲ | استاد مشاور: | دکتر حسین رحمت‌اللهی | دانشیار | پردیس فارابی | |
| ۳ | استاد داور(خارج دانشگاه): | دکتر سید جواد رائی ورعی | دانشیار | پژوهشگاه حوزه و دانشگاه | |
| ۴ | استاد داور(خارج دانشگاه): | دکتر محسن ملک افضلی | دانشیار | جامعه المصطفی العالمیه | |
| ۵ | استاد داور(خارج دانشگاه): | دکتر عبدالوهاب فراتی | دانشیار | پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی | |
| ۶ | استاد داور و نماینده تحصیلات تکمیلی: | دکتر مهدی بالوی | استادیار | پردیس فارابی | |

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی پردیس فارابی دانشگاه تهران

دکتر مهدی ذاکری

رئیس دانشکده حقوق

دکتر احمد حاجی پور آبادی



نشانی: قم - ابتدای جاده قدیم تهران - بعد از پایانه مسافری - پردیس فارابی دانشگاه تهران
تلفن: ۰۲۵-۳۶۱۶۶۱۰۰ فکس: ۰۲۵-۳۶۶۴۴۰۸۱ Email: farabi@ut.ac.ir Website: http://farabi.ut.ac.ir کپستی: ۳۷۱۸۱۱۷۴۶۹ صندوق پستی: ۳۵۷

تاریخ
شماره
پیوست

جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران



باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب مینا اکبری متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

مینا اکبری

امضاء و تاریخ

اگر ارزشی بر این اثر مترتب است:
تقدیم می‌شود به مولایمان علی (ع) که اسوه‌نماداری عادل و آزاده بود.
و همه کسانی که حق‌مداری، عدالت‌خواهی و آزادگی را از انسانیت خود جدا ننمودند.

خود را دیدیم اساتید کراتقدیری می دانیم که دانش و منش آن ها راهنمای من در زندگی بوده است؛
جناب آقای دکتر محمد جواد ارسطا، جناب آقای دکتر حسین رحمت الهی و کلیه اساتید محترمی که در جریان
نخارش رساله بارهنگامی ها و مشاوره های ارزنده این جانب رایاری نمودند. این عزیزان علاوه بر حقوق عمومی،
درس اخلاق را به من آموختند.

چکیده

در کشور ایران نافرمانی مدنی از مسائل جدید محسوب می‌شود و تاکنون مطالعات قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است. ضعف نظری در این زمینه موجب شد به منظور توسعه ادبیات حقوق عمومی، بررسی دقیق‌تر و جامع‌تری در این زمینه صورت گیرد؛ لذا به دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که نافرمانی مدنی در نظم حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟ و به منظور پاسخ به این پرسش از روش تحلیلی، توصیفی و تجویزی استفاده شده است.

با ارائه دلایل متعدد ثابت شد از منظر فقه سیاسی شیعه، انتقاد و بیان خطاهای حکومت در یک جامعه اسلامی نه تنها حق، بلکه از تکالیف شهروندان محسوب می‌شود و تحت شرایطی این انتقاد می‌تواند در قالب نافرمانی مدنی صورت گیرد؛ در واقع هر گاه معروف‌های بزرگی توسط حکومت ترک شود و یا منکرهای بزرگی ارتکاب یابد، و مردم با استفاده از راه‌های قانونی نتوانند موجبات اصلاح حکومت را فراهم نمایند، در آن صورت مردم چاره‌ای نخواهند داشت که از باب وجوب قاعده نصیحت ائمه مسلمین و فریضه امر به معروف و نهی از منکر با سرپیچی از برخی قوانین (نافرمانی مدنی) در برابر چنین وضعیتی بایستند؛ بنابراین مجوز ارتکاب نافرمانی مدنی، اضطراری است که برای مردم پیش آمده و راهی برای مقابله با تخلفات حکومت جز نافرمانی مدنی نمانده است.

بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز نشان داد؛ اصل هشتم که به ذکر وظیفه همگانی خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم نسبت به دولت می‌پردازد؛ امکان نافرمانی مدنی را نیز در خود نهفته دارد. درست است که در این اصل به نافرمانی اشاره نشده است، اما اطلاق عبارات «دعوت به خیر» که معادل واژه نصیحت است و «امر به معروف و نهی از منکر» در این اصل باعث می‌شود که دامنه آن‌ها شامل نافرمانی مدنی نیز محسوب شود. به این معنا که هرگاه دولت دچار نقض مکرر حقوق افراد شود و مردم از طرق مشخص قانونی اعتراض خود را اعلام نمایند اما این اعتراض راه به جایی نبرد، یکی از آخرین مراحل امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند به صورت نافرمانی مدنی بروز نماید.

واژگان کلیدی: نافرمانی مدنی، مقاومت در برابر قانون، امر به معروف و نهی از منکر، نظارت عمومی

فهرست مطالب

۱..... مقدمه

۱..... الف. بیان مسئله

۴..... ب. ضرورت و اهمیت پژوهش

۴..... پ. هدف پژوهش

۴..... ت. ادبیات و پیشینه پژوهش

۸..... ث. پرسش‌های پژوهشی

۸..... ج. فرضیه‌های پژوهشی

۹..... چ. نوع پژوهش

۹..... ح. روش پژوهش

۹..... خ. روش گردآوری اطلاعات

۱۰..... د. سازماندهی پژوهش

۱۱..... بخش نخست. مفاهیم و مبانی نافرمانی مدنی

۱۳..... فصل نخست. مفهوم، مؤلفه‌ها و اشکال نافرمانی مدنی

۱۴..... مبحث نخست. مفهوم و مؤلفه‌های نافرمانی مدنی

۱۴..... گفتار نخست. مفهوم نافرمانی مدنی

۱۷..... گفتار دوم. مؤلفه‌های نافرمانی مدنی

۱۸..... بند نخست. غیرقانونی بودن

۱۹..... بند سوم. ارتباط‌گیرانه بودن

۱۹..... بند چهارم. علنی بودن

۲۰..... بند پنجم. عدم خشونت یا مسالمت‌آمیز بودن

۲۵..... مبحث دوم. اشکال نافرمانی مدنی و روند تاریخی شکل‌گیری این اصطلاح

۲۵..... گفتار نخست. اشکال نافرمانی مدنی

۲۵..... بند نخست. مقاومت منفی

۲۶..... بند دوم. مقاومت اعتراضی

۲۷..... بند سوم. مقاومت تعرضی

۲۸..... گفتار دوم. اولین اقدام نافرمانی مدنی و روند شکل‌گیری این مفهوم

۲۸..... بند نخست. اولین اقدام نافرمانی مدنی

۳۰..... بند دوم. مؤلفه‌های نافرمانی مدنی از دیدگاه ثورو

۳۳..... فصل دوم. مبانی فلسفی و حقوقی نافرمانی مدنی

۳۳..... مبحث نخست. مبانی فلسفی نافرمانی مدنی

۳۴..... گفتار نخست. توجیه نافرمانی مدنی

۴۲..... گفتار دوم. شرایط انجام نافرمانی مدنی

۴۲..... بند نخست. نقض اصول آزادی برابر و برابری منصفانه فرصت‌ها

۴۲..... بند دوم. طی نمودن سایر راه‌های قانونی

۴۴..... بند سوم. وجود تفاهم سیاسی

۴۴..... بند چهارم. شرط تکمیلی

۴۵..... گفتار سوم. انواع نافرمانی مدنی

۴۵..... بند نخست. نافرمانی درستی-بنیاد

۴۶..... بند دوم. نافرمانی عدالت-بنیاد

۴۶..... بند سوم. نافرمانی سیاست-بنیاد

۴۷..... گفتار چهارم. زمان انجام نافرمانی مدنی

۴۸..... گفتار پنجم. امکان یا عدم امکان مجازات نافرمانان مدنی

مبحث دوم. حدود احترام به قانون در اسناد منطقه‌ای و داخلی..... ۴۹

گفتار نخست. حدود احترام به قانون در اسناد منطقه‌ای..... ۵۰

بند نخست. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۵۰

بند دوم. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۵۲

بند سوم. منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۵۲

گفتار دوم. حدود احترام به قانون در اسناد داخلی کشورها ۵۳

بند نخست. اعلامیه استقلال (۱۷۷۶) و قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (۱۷۸۹) ۵۳

بند دوم. اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) ۵۴

بند سوم. قانون اساسی آلمان (۱۹۴۹) ۵۵

بخش دوم. جایگاه نافرمانی مدنی در فقه سیاسی شیعه و حقوق اساسی ایران ۵۷

فصل نخست. مبانی حق نافرمانی مدنی در فقه شیعه..... ۵۹

مبحث نخست. دلایل پذیرش نافرمانی مدنی..... ۶۲

گفتار نخست. اطاعت از والی در چهارچوب حق و عدالت..... ۶۲

بند نخست. دلایل عقلی اطاعت از والی در چهارچوب حق و عدالت ۶۲

بند دوم. ادله نقلی اطاعت از والی در چهارچوب حق و عدالت ۶۳

الف. قرآن ۶۳

ب. گفتار و سیره معصومین (ع) ۶۴

گفتار دوم. اطاعت از مخلوق در چهارچوب فرمان الهی..... ۶۸

بند نخست. دلیل عقلی اطاعت از مخلوق در چهارچوب فرمان الهی ۶۹

بند دوم. ادله نقلی اطاعت از مخلوق در چهارچوب فرمان الهی ۷۰

الف. قرآن ۷۰

ب. گفتار و سیره معصومین (ع) ۷۰

گفتار سوم. حقوق متقابل مردم و حکومت ۷۳

- بند نخست. دلیل عقلی وجود حقوق متقابل میان مردم و حکومت ۷۳
- بند دوم. ادله نقلی وجود حقوق متقابل میان مردم و حکومت ۷۴
- گفتار چهارم. خطا پذیری حاکمان و لزوم جلوگیری از استبداد ۷۷**
- بند نخست. خطا پذیری حاکمان ۷۷
- الف. قرآن ۷۸
- ب. گفتار و سیره معصومین (ع) ۷۸
- بند دوم. استبداد ۷۹
- الف. دلیل عقلی امکانپذیر بودن مستبد شدن حاکمان ۷۹
- ب. ادله نقلی امکانپذیر بودن مستبد شدن حاکمان ۸۰
- گفتار پنجم. نظارت بر اعمال حکومت ۸۳**
- بند نخست. نصیحت و خیرخواهی ۸۵
- الف. ادله عقلی مشروعیت نصیحت ۸۵
- ب. ادله نقلی مشروعیت نصیحت ۸۷
- بند دوم. امر به معروف و نهی از منکر ۹۲
- الف. دلایل عقلی وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۹۳
- ب. ادله نقلی وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۹۴
- ۹۸ مبحث دوم. مراحل، حدود و شرایط و اعتراض ۹۸**
- گفتار نخست. مراحل انتقاد و اعتراض ۹۹**
- گفتار دوم. حدود انتقاد و اعتراض ۱۰۱**
- بند نخست. مفهوم نظام ۱۰۱
- الف. معنای لغوی نظام ۱۰۲
- ب. مفهوم اصطلاحی نظام ۱۰۲
- بند دوم. حکم حفظ نظام ۱۰۴

- بند سوم. جمع میان قاعده و جوب حفظ نظام و حق نافرمانی مدنی ۱۰۶
- گفتار سوم. شرایط انتقاد و اعتراض ۱۰۹
- بند نخست. علم و آگاهی ۱۰۹
- بند دوم. حسن نیت ۱۱۱
- بند سوم. واقع بینی ۱۱۲
- ۱۱۳** **مبحث سوم. ارتباط اصطلاح بغی با نافرمانی مدنی**
- گفتار نخست. معنای واژه بغی ۱۱۳
- بند نخست. معنای لغوی بغی ۱۱۴
- بند دوم. معنای اصطلاحی بغی ۱۱۴
- گفتار دوم. شرایط تحقق بغی ۱۱۵
- بند نخست. قوی و نیرومند بودن ۱۱۶
- بند دوم. خارج شدن از اقتدار حکومت ۱۱۶
- بند سوم. وجود توجیه سیاسی برای خروج از حکومت ۱۱۷
- گفتار سوم. تفاوت بغی با نافرمانی مدنی ۱۱۸
- ۱۲۰** **فصل دوم. جایگاه نافرمانی مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر اسناد مورد تأیید ایران**
- ۱۲۱** **مبحث نخست. جایگاه نافرمانی مدنی در اسناد حقوق بشری مورد تأیید ایران**
- گفتار نخست. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۲۱
- گفتار دوم. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۲۲
- گفتار سوم. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۲۳
- گفتار چهارم. اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۲۳
- ۱۲۴** **مبحث دوم. بررسی جایگاه نافرمانی مدنی در قانون اساسی ایران**
- گفتار نخست. اصل هشتم ۱۲۴
- بند نخست. منظور قانونگذار از منکر و معروف ۱۲۶

- بند دوم. معنای واژه دولت در اصل هشتم ۱۲۷
- بند سوم. ماهیت امر به معروف و نهی از منکر ۱۲۹
- بند چهارم. ارتباط امر به معروف و نهی از منکر با حق بر خطا بودن ۱۳۰
- بند پنجم. دامنه شمول آمران به معروف و ناهیان از منکر ۱۳۲
- بند ششم. نحوه اجرای امر به معروف و نهی از منکر ۱۳۳
- بند هفتم. ارتباط اصل هشتم با نافرمانی مدنی ۱۳۷
- گفتار دوم. اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی** ۱۴۰
- بند نخست. تعریف جرم سیاسی ۱۴۱
- بند دوم. ضوابط تشخیص جرم سیاسی و اقسام این جرائم ۱۴۳
- الف. ضوابط تشخیص جرم سیاسی ۱۴۳
- ب. اقسام جرائم سیاسی ۱۴۴
- بند سوم. جایگاه جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران ۱۴۵
- بند چهارم. ارتباط جرم سیاسی با نافرمانی مدنی ۱۴۶
- گفتار سوم. اصل بیست و هفتم قانون اساسی** ۱۴۷
- بند نخست. انتقادات وارد بر قانون احزاب نسبت به تجمعات ۱۴۸
- بند دوم. ارتباط اجتماعات و تظاهرات با نافرمانی مدنی ۱۵۲
- گفتار چهارم. اصول بیست و چهارم و یکصد و هفتاد و پنجم** ۱۵۲
- بند نخست. جایگاه رسانه‌ها ۱۵۳
- بند دوم. جایگاه رسانه‌ها در ایران ۱۵۵
- بند سوم. ارتباط آزادی رسانه با نافرمانی مدنی ۱۵۸
- گفتار پنجم. اصول نوزدهم و چهاردهم** ۱۵۹
- بند نخست. جایگاه اقلیت‌های دینی غیرشناخته شده در قانون اساسی ۱۵۹
- بند دوم. محدودیت‌های عملی اقلیت‌های دینی غیرشناخته شده در قانون اساسی ۱۶۰

گفتار ششم. اصل بیست و سوم..... ۱۶۱

بند نخست. منع تفتیش عقیده در قانون اساسی ۱۶۱

بند دوم. ارتباط اصل بیست و سوم با نافرمانی مدنی ۱۶۲

۱۶۳..... مبحث دوم. جلوه‌هایی از مقاومت علیه قانون در ایران

گفتار نخست. جنبش توتون و تنباکو؛ مقاومت منفی از نوع عدم همکاری ۱۶۴

گفتار دوم. مقاومت در برابر کشف حجاب؛ مقاومت منفی از نوع مخالفت وجدانی..... ۱۶۷

گفتار سوم. قانون شکنی؛ مقاومت اعتراضی..... ۱۶۹

بند نخست. استفاده از ماهواره ۱۶۹

بند دوم. مسئله بدحجابی و بی حجابی ۱۷۱

بند سوم. استفاده از فیلتر شکن ۱۷۴

۱۷۵..... مبحث سوم. راهکارهای حقوقی قانون اساسی جهت سازمان‌دهی قانونی خواسته‌های مردمی

گفتار نخست. برکناری مردمی، وتوی مردمی، پیشنهاد مردمی ۱۷۵

بند نخست. برکناری مردمی نمایندگان ۱۷۶

بند دوم. وتوی مردمی قانون ۱۷۷

الف. سوئیس ۱۷۷

ب. ایالات متحده در سطح ایالات ۱۷۸

پ. ایتالیا ۱۷۸

بند سوم. پیشنهاد مردمی قانون یا ابتکار عام قانون‌گذاری ۱۷۸

گفتار دوم. همه‌پرسی ۱۸۰

بند نخست. همه‌پرسی دو گزینه‌ای ۱۸۰

بند دوم. همه‌پرسی چندگزینه‌ای یا گزینشگری ۱۸۱

۱۸۳..... نتیجه‌گیری

۱۸۹..... پیشنهادها

۱. رفع محدودیت‌های ابزارهای نظارتی مردم بر دولت ۱۸۹
۲. تشکیل یک دادگاه جهت رسیدگی به اعتراضات مردم نسبت به نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین ۱۹۰
۳. تقویت نقش مشارکتی مردم از طریق بازنگری قانون اساسی ۱۹۱
۴. توجه ویژه دولت به رعایت حاکمیت قانون، شفافیت و پاسخگویی ۱۹۲
۵. تأسیس نهادی مشابه نهاد حسبه ۱۹۳
۶. عکس‌العمل معقول با نافرمانان مدنی ۱۹۴
۷. گسترش فرهنگ انتقاد در بین مردم و مسئولان توسط دولت ۱۹۵

۱۹۷ فهرست منابع

- الف. فارسی ۱۹۷
- ب. عربی ۲۰۵
- پ. انگلیسی ۲۰۵

مقدمه

با توجه به اینکه، تبیین مسئله از ضروریات انجام یک پژوهش است؛ ابتدا به بیان مسئله پرداخته خواهد شد و سپس ضرورت و اهداف پژوهش، پیشینه و ادبیات پژوهش، پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهشی، نوع و روش پژوهش، روش گردآوری اطلاعات و چگونگی سازمان‌دهی پژوهش تشریح خواهد شد.

الف. بیان مسئله

نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که در طول زندگی سیاسی کشورهای مختلف خودکامگی و استبداد زمامداران امری اجتناب‌ناپذیر و فراگیر بوده است. حتی می‌توان گفت این امر اختصاصی به نظام‌های مطلقه و سلطنتی که در گذشته رایج بوده، ندارد بلکه حتی در نظام‌های دموکراتیکی که بر مبنای حاکمیت و خواست مردم ایجاد شده‌اند؛ گاهی اصل اراده عمومی به استبداد و خودرأیی منجر شده است؛ یعنی این احتمال وجود دارد دولتی که بر اساس روندی دموکراتیک و عادلانه ایجاد می‌شود نتایج و اقدامات ناعادلانه‌ای را به بار آورد. گرچه ارائه تعریفی دقیق و جامع از حق و عدالت کار دشواری است، اما یکی از نشانه‌ها جهت خروج دولت از مسیر حق و عدالت، عمل نمودن به تعهدات خود در قانون اساسی و سایر اسناد، نسبت به شهروندان است.

با در نظر گرفتن چنین احتمالی که امکان وقوع آن به تجربه ثابت شده است، مسائل چالش برانگیزی به ذهن می‌رسد. به این ترتیب که هر گاه مردم دولتی را ایجاد نمایند و امکان اعمال حاکمیت را به آن بسپارند آیا همواره و در هر شرایطی مکلف به اطاعت از آن هستند؟ به عبارت دیگر الزام نظام سیاسی حاکم تا کجا می‌تواند باشد و هر گاه مردم به‌طور مکرر شاهد نقض حقوق و آزادی‌های خود از جانب دولت باشند و نظاره‌گر عمل نمودن دولت به تعهدات خود باشند؛ آیا باز هم تکلیف به اطاعت مطلق دارند؟

برخی بر این عقیده‌اند که در هیچ شرایطی قانون‌شکنی توجیه‌پذیر نیست. به گفته پیروان حقوق تحقیقی، در هیچ جامعه منظمی نمی‌توان به همه حق داد که درباره‌ی خوب و بد قوانین داورى کنند و از

اطاعت قواعدی که نادرست می‌بینند سر باز زنند؛ زیرا مشروع ساختن مقاومت در برابر قوانین نادرست، با قبول آشوب و هرج و مرج ملازمه دارد و بهترین دلیل این ادعا وضع فرانسه در زمان حکومت قانون اساسی ۱۷۹۳ است^۱ و هر گاه در یک حکومت، مردم مشکلات و خطاهایی را مشاهده کنند صرفاً از این حق برخوردارند که از طرق و مجراهای قانونی مانند دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه، قوه مقننه، رسانه‌ها، سخنرانی، تجمعات و سایر راه‌های قانونی اقدام به تغییر قانون و یا تصمیم مقامات حکومتی نمایند؛ اما دلایلی وجود دارند که می‌توانند این ادعا را نقض نمایند. نخست اینکه در بسیاری موارد مردم از چنین روش‌هایی استفاده می‌نمایند اما به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسند؛ زیرا قدرت سیاسی در اختیار دولت است و قوانین را هرگونه خود بخواد می‌تواند تفسیر و اجرا نماید. ثانیاً استفاده از چنین روش‌های قانونی در برخی کشورها و از جمله کشور خودمان با چالش‌های اساسی قانونی و اجرایی روبرو است.

از این رو برخی نافرمانی مدنی را پیشنهاد می‌دهند. نافرمانی مدنی از نظر اصطلاحی عبارت است از هر اقدامی که با هدف مشروع نبودن برخی قوانین یا تصمیمات مسئولان به‌طور علنی و مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد، اما به هر حال اقدامی غیرقانونی است؛ به عبارت دیگر نافرمانی مدنی اقدامی خلاف قانون است؛ اما یک اقدام غیرقانونی با انگیزه تبه‌کارانه نیست بلکه هدف، اصلاح و بهبود امور کشور است. با این وصف، پذیرش نافرمانی مدنی، فرد را به اطاعت از قانون و همکاری با هر سیاست دولت که ممکن است ناعادلانه باشد، ملزم نمی‌کند؛ اما ایراداتی بر نافرمانی مدنی وارد است. نخست اینکه قانون-شکنی را تشویق می‌کند و در گذر زمان قدرت حکومت و اقتدار قانون را خدشه‌دار می‌نماید و لذا ممکن است ضررهای جبران‌ناپذیری را بر یک کشور وارد نماید. ثانیاً اینکه نافرمانی مدنی ممکن است با اصل حاکمیت اکثریت در تعارض قرار گیرد؛ زیرا با این روش تعدادی از شهروندان نظر و تصمیم نمایندگان اکثریت مردم را زیر سؤال می‌برند. لذا برای حل این چالش‌ها، پاسخ‌هایی از جانب صاحب‌نظران ارائه شده است و انجام نافرمانی مدنی را تحت شرایط خاصی می‌پذیرند. از جمله اینکه لازم است نافرمانان مدنی ابتدا سایر راه‌های قانونی را طی کرده باشد اما به نتیجه‌ای نرسیده باشند و دیگر اینکه این اقدامات مسالمت‌آمیز و بدون حمل سلاح و غیرخشونت‌آمیز باشد. علاوه بر این، منافع حاصل از نافرمانی مدنی بیش از ضررهای آن باشد و به بهبود اوضاع کمک نماید.

حال با توجه به اینکه اصطلاح نافرمانی مدنی یک مفهوم غربی است که بیشتر پس از انقلاب‌های مردمی و روی کار آمدن حکومت‌های دموکراتیک، رایج شده است این مسئله به ذهن متبادر می‌شود که

۱. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج نخست، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج اول، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴.

این دسته از اقدامات چه جایگاهی در یک حکومت اسلامی دارد؟ به عبارت دیگر در جمهوری اسلامی ایران می‌توان امکان انجام چنین اقداماتی را محتمل دانست؟

بر اساس مبانی اهل سنت، حفظ نظام سیاسی از هر طریق که حاکم شده است، به عنوان حفظ نظام، واجب شمرده شده است. عالمان اهل تسنن حق نافرمانی را همچنان که در برابر حاکم عادل صحیح نمی‌دانند در برابر حاکم جائز نیز مشروع نمی‌دانند؛^۱ اما همان‌طور که می‌دانیم مبانی فقه شیعه با اهل تسنن متفاوت است؛ زیرا شیعه، قائل به عدالت عقلانی و حسن و قبح ذاتی اعمال است.

مسلماً در فقه شیعه اصطلاحی تحت عنوان نافرمانی مدنی را نمی‌توان یافت؛ اما هدف این پژوهش بررسی و تطبیق محتوایی نافرمانی مدنی است؛ به عبارت دیگر ممکن است یک مفهوم، مفهومی قدیمی باشد ولی تدوین جدیدی از آن صورت گرفته باشد؛ بنابراین برای اینکه بتوانیم عالمانه با مفاهیم مختلف حقوقی و غیرحقوقی مواجه شویم نباید صرفاً بحث خودمان را به اصطلاحات و الفاظی که به کار برده می‌شود محدود کنیم. بلکه باید بر اساس عنصرشناسی مفاهیم را با یکدیگر مقایسه کنیم؛ مانند اینکه اصطلاح حاکمیت نزدیک به ولایت است، یا اصطلاح حکمرانی خوب نزدیک به حسن‌الولایه است؛ لذا درست است که نافرمانی مدنی در اصطلاحات دینی ما به کار نرفته است اما در جستجوی این هستیم که آیا عناصری که مربوط به نافرمانی مدنی است را می‌توانیم در مفاهیم اسلامی بیابیم و یا حداقل می‌توان مفاهیم قریب به مفهوم نافرمانی مدنی را استخراج نماییم؟

به این معنی که بر اساس مبانی شیعی آیا اطاعت از حاکم مطلق است یا مشروط و اگر مشروط است؛ مشروط به چه شرایطی است؟ پس از اینکه این مسئله روشن شد می‌توان در این مورد اظهار نظر نمود که در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نافرمانی مدنی چه جایگاهی دارد؟

لذا با توجه به مطالب فوق، امکان اعمال نافرمانی مدنی در نظام جمهوری اسلامی ایران، مسئله‌ای نیازمند تأمل و بررسی است. از یک سو حکومت ایران جمهوری است یعنی اداره‌ی کشور بر مبنای آرای عمومی و اراده‌ی مردم صورت می‌گیرد و از سوی دیگر نظامی اسلامی است؛ یعنی مقید به رعایت احکام و موازین اسلامی است. لذا در این پژوهش بر آنیم تا با استنباط از اصول قانون اساسی و کلیه‌ی منابع حقوقی، پایه‌های منابع و لایه‌های زیرین، امکان نافرمانی مدنی در حقوق اساسی ایران را بررسی نماییم. در واقع مسئله، بررسی امکان نافرمانی مدنی است؛ اما واضح است اگر برای اقدامی تحت عنوان نافرمانی مدنی، شرایط و ضوابطی در نظر گرفته نشود؛ نه تنها هدف موردنظر که همانا اصلاح تصمیمات اشتباه

۱. جعفرپیشه، مصطفی، «ادله نقلی حق ترمرد از منظر اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۳۲،

حکومت و یا قوانین ناعادلانه است؛ تأمین نمی‌شود، بلکه نتیجه‌ای جز هرج و مرج و بی‌نظمی به دنبال نخواهد داشت.

ب. ضرورت و اهمیت پژوهش

در خصوص موضوع حاضر یعنی «امکان یا امتناع حق نافرمانی مدنی در نظام حقوق اساسی ایران» تاکنون مطالعات و پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. اغلب اسناد و مطالعات خارجی موجود به بررسی امکان نافرمانی مدنی بر اساس مبانی و اصول دموکراسی پرداخته‌اند. پیچیدگی‌های این بحث در کشور ما از آن رو است که به لحاظ مبانی نظری تاکنون فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته است. این ضعف نظری هم به لحاظ فعالیت‌های علمی محدود در عرصه آراء سیاسی و حقوقی گوناگون است و از سوی دیگر به واسطه کمبود تلاش‌های علمی در عرصه فقه سیاسی شیعه است. همین امر باعث گردید تا به منظور توسعه و تحقیق ادبیات حقوق عمومی، بررسی دقیق‌تر و جامع‌تری در این زمینه صورت گیرد و در معرض نقد و نظر صاحبان اندیشه قرار داده شود.

پ. هدف پژوهش

هدف علمی از انجام این پژوهش، ارائه پاسخی مستند و مستدل به مسئله امکان نافرمانی مدنی در حقوق اساسی ایران از طریق بررسی در منابع حقوق اساسی کشور است؛ به عبارت دیگر، هدف، کمک به بهبود موقعیت علمی و افزایش منابع مطالعاتی در این زمینه است. از سوی دیگر، هدف کاربردی این پژوهش، انجام مطالعه و پژوهشی است که در آینده امکان استفاده از آن برای نهاد تقنینی کشور، به منظور تدوین قوانین جدید و یا اصلاح قوانین موجود، وجود داشته باشد. علاوه بر این نهادهایی اجرایی و قضایی نیز بتوانند در مقام اجرای قوانین از آن استفاده نمایند.

ت. ادبیات و پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، تاکنون پژوهشی که کاملاً پرسش‌های این پژوهش را پاسخ دهد؛ انجام نشده است. با این حال پژوهش‌هایی انجام شده‌اند که هر کدام در خصوص یکی از ابعاد موضوع حاضر است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. کتابی با عنوان بحران‌های جمهوری، اثر هانا آرنه که در سال ۱۹۶۹ توسط شرکت هارکورت در نیویورک به چاپ رسیده است. بخشی از این کتاب اختصاص به نافرمانی مدنی دارد. این اثر اگرچه به

تعریف و بررسی دقیق مشخصات نافرمانی مدنی نمی‌پردازد و بیشتر به مسئله چگونگی توجیه‌پذیری و مواجهه سیستم قانون‌گذاری آمریکا با این پدیده اشاره دارد، ولی حاوی طرز نگاه دیگری به نافرمانی مدنی است. آرت نافرمانی مدنی را تنها به منظور حصول توافق اجتماعی بر سر قانون یا سیاست‌های جاری و نه بر مبنای قضاوتی اخلاقی و وجدانی نسبت به قوانین مشخص قابل قبول می‌داند. این طرز نگرش، متفاوت از نظر بسیاری از اندیشمندان است. در پژوهش حاضر از دیدگاه‌های این فیلسوف بسیار استفاده شده است گرچه رویکرد اصلی ما حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۲. کتابی تحت عنوان «نظریه‌ای در باب عدالت»، اثر جان رالز، ترجمه مرتضی نوری که توسط نشر مرکز در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب تأکید می‌کند که نظریه او فقط برای شرایط مخصوصی از یک جامعه نسبتاً عادلانه طرح می‌شود. جامعه‌ای که از بسیاری لحاظ به سامان است، اما با این وجود، در آن برخی موارد نقض جدی عدالت روی می‌دهد و از آنجا که فرض می‌کند که یک وضعیت نسبتاً عادلانه نیازمند یک سیستم حکومتی دموکراتیک است. از این رو، این نظریه نقش و اقتضای نافرمانی مدنی را در برابر یک قدرت دموکراتیک مشروع، مورد بررسی قرار می‌دهد.

این کتاب به بررسی امکان نافرمانی مدنی و شرایط اعمال آن در یک دولت دموکراتیک می‌پردازد؛ یعنی دولتی که تنها بر مبنای حاکمیت مردمی تشکیل گردیده است. لذا در پژوهش حاضر، ضمن استفاده از دستاوردهای ارزشمند این کتاب، به دنبال بررسی امکان نافرمانی مدنی در حکومتی هستیم که مبنای مشروعیت آن مردمی و الهی است.

۳. کتاب رساله‌ای درباره حکومت، اثر جان لاک، ترجمه حمید عضدانلو که توسط نشر نی در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. لاک در قسمت‌های پایانی این کتاب به بررسی مسئله جباریت و سوء استفاده دولت از امتیاز ویژه خود و دکتترین مقاومت مشروع در برابر حکومت می‌پردازد. از نظر او هدف از تشکیل حکومت سعادت و رفاه مردم است و اگر دولت از این هدف خود دور شود مردم الزام به تبعیت ندارند. در فصل دوم بخش نخست رساله حاضر نظریات لاک به دلیل اهمیت آن به طور مشروح مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. کتابی با عنوان «بررسی فقهی فرمانبرداری و نافرمانی مدنی»، تألیف آقای سید جواد ورعی که در سال ۱۳۹۴ با همکاری انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به چاپ رسیده است. این اثر، از جمله نخستین پژوهش‌هایی محسوب می‌شود که مبنای نافرمانی مدنی را از منظر فقهی مورد بررسی قرار